



بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۷۹ / ۸ / ۸

بررسی نقش بینافردي زبان فارسی

در چهارچوب دیدگاه هلیدی

توسط

محمدرضا صافی قییه بلاغی

پایان نامه

ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از
فعالیت‌های لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته

آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

از

دانشگاه شیراز

شیراز، ایران

۷۸۲۴

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

امضاء اعضای کمیته پایان نامه

دکتر لطف اله یارمحمدی، استاد زبان انگلیسی

و زبان‌شناسی (رئیس کمیته)

دکتر مرتضی یمینی، استادیار آموزش زبان انگلیسی

دکتر فیروز صدیقی، دانشیار زبان انگلیسی و

زبان‌شناسی

شهریورماه ۱۳۷۹

۳۰ / ۱۵۳

تقديم به

پدرو مادر. همسر

و

پسر. امير رضا

۳۰۱۵۳

سپاسگزاری

بدینوسیله تشکر فراوان خود را از بذل توجه و راهنماییهای ارزشمند استاد محترم، جناب آقای دکتر یارمحمدی، استاد راهنمای این تحقیق، ابراز داشته و راهنماییهای ارزنده‌ی ایشان را ارج می‌نهم.

از زحمات جناب آقای دکتر یمینی نهایت امتنان را دارم که همواره با روئی گشاده و با درایت خاص ایشان نکات ارزنده‌ای را یادآور شدند و راه تحقیق را بر بنده هموار نمودند. از جناب آقای دکتر صدیقی، ریاست محترم بخش که مطالب این پژوهش را به دقت مطالعه فرموده و موارد نقصان را متذکر شدند، کمال تشکر را دارم. بر خود واجب می‌دانم از پدر و مادر بزرگووارم که همیشه مدیون محبت‌هایشان بوده‌ام، قدردانی نمایم.

چکیده

بررسی نقش بینافردي زبان فارسي

در چهارچوب دیدگاه هلیدی

توسط

محمد رضا صافی قییه بلاغی

هدف پژوهش حاضر که بر اساس پیکره ی زبانی است، بررسی نقش بینافردي واحد

بند زبان فارسي بر اساس توصیف نقش گرایانه هلیدی (۱۹۸۵) می باشد.

چهارچوب نظری این پژوهش را اصولی تشکیل می دهد که هلیدی در فصل چهارم کتاب

خود، درآمدی بر دستور نقش گرا، (An Introduction to Functional Grammar).

(۱۹۸۵) با عنوان 'نقش بند در مبادله' (Clause as Exchange) معرفی می کند.

عنصر وجه (The Mood Element) جایگاه اصلی تعامل بینا فردی بند است.

عنصر وجه شامل فاعل و عنصر خود ایستا است. باقیمانده ی بند (Residue) که شامل فعل

واژه، متمم و ادات غیر وجه نماست، نقشی در تعامل بینافردي ندارد. با توجه به نقش

ارتباطی "داد" (Giving) و "ستد" (Demanding) و نیز مورد مبادله یعنی "اطلاعات"

(Information) و "خدمات - اشیا" (Goods-Services)، چهار کنش کلامی عمده عبارتند از: خبر، (Statement) پرسش، (Question) امر (Command) و عرضه (Offer). سه کنش اول بواسطه‌ی گونه‌ی دستوری خاصی تحقق می‌یابند، در حالیکه کنش "عرضه" گونه‌ی دستوری خاصی ندارد. در گزاره‌ها (خبر و پرسش) و طرح‌واره‌ها (امر و عرضه) از درجات حد وسط بین قطبهای مثبت و منفی به ترتیب با عناوین وابستگی (Modality) و همخوانی (Modulation) یاد می‌شود. وابستگی از طریق افعال وجهی، ادات وجه‌نما و یا بواسطه‌ی هر دو بیان می‌شود. درجات مختلف همخوانی نیز از طریق افعال وجهی و بسط گروه فعلی بیان می‌شود. به منظور ایجاد هماهنگی الگوی هلیدی (۱۹۸۵) با زبان فارسی تغییراتی در آن داده شده است.

گونه‌ی زبانی مورد بررسی در این پژوهش، زبان فارسی گفتاری است که از کتابهای نمایشنامه، فیلمنامه و داستان که حاوی گفتگوی مستقیم بین افراد مختلف‌اند، استخراج شده‌اند. داده‌های پژوهش جمع‌آوری شده از لحاظ نقش بینافردی‌شان و بر اساس الگوی ارائه شده، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

این پژوهش ضمن نشان دادن اختلافات ساختاری دو زبان انگلیسی و فارسی، همسانی آنها را از جنبه‌ی بینافردی نشان داده و نتیجه می‌گیرد که چگونه گویشوران هر دو زبان، صرف نظر از ساختارهای ویژه‌ی هر زبان، اصولی کلی و جهانی را در تعامل با یکدیگر به کار می‌گیرند و چگونه از زبان به عنوان ابزاری برای ایجاد و حفظ پیوندهای اجتماعی با دیگران بهره می‌جویند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
.....	سپاسگزاری
.....	چکیده
.....	فهرست جدولها
.....	فهرست نمودارها
۱	فصل اول: مقدمه
۱	۱-۰- کلیات
۷	۱-۱- هدف تحقیق
۸	۱-۲- اهمیت تحقیق
۱۰	۱-۳- حیطه‌ی تحقیق
۱۰	۱-۴- فصول پایان‌نامه
۱۲	فصل دوم: پیشینه‌ی تحقیق
۱۲	۲-۰- مقدمه
۱۴	۲-۱- الگوی زبان هلیدی
۱۶	۲-۲- کلان‌نقش‌های زبانی هلیدی
۱۹	۲-۳- بررسی‌های نقش‌گرایانه در زبان فارسی
	۲-۴- سایر بررسی‌های زبان فارسی
۲۲	مربوط به نقش بینافردی
۳۱	فصل سوم: روش تحقیق
۳۱	۳-۰- مقدمه
۳۱	۳-۱- تعریف چند اصطلاح

۳۳ ۳-۲- داده‌های پژوهش
۳۴ ۳-۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها
۳۶ ۳-۳-۱- عنصر وجه
۴۰ ۳-۳-۲- باقیمانده
۴۱ ۳-۴- بندهای پرسشی wh-، تعجبی و امری
۴۱ ۳-۴-۱- بندهای پرسشی wh-
۴۱ ۳-۴-۲- بندهای تعجبی
۴۲ ۳-۴-۳- بندهای امری
۴۳ ۳-۵- قطبیت و وابستگی
۴۳ ۳-۵-۱- گزاره
۴۴ ۳-۵-۲- طرح واره
۴۶ فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج آن
۴۶ ۴-۰- مقدمه
۴۷ ۴-۱- نقش گوینده و نقش شنونده
۵۲ ۴-۲- وجه
۵۲ ۴-۲-۱- ساختار عنصر وجه
۵۳ ۴-۲-۲- عنصر خود ایستای فعل
۵۶ ۴-۲-۳- فاعل
۵۹ ۴-۲-۴- ادات وجه نما
۶۲ ۴-۳- باقیمانده
۶۲ ۴-۳-۱- فعل واژه
۶۴ ۴-۳-۲- متمم
۶۵ ۴-۳-۳- ادات غیر وجه نما
۶۹ ۴-۴- قطبیت و وابستگی
۷۳ ۴-۵- میزان التزام وجهی
۷۵ ۴-۶- بندهای پرسشی، تعجبی و امری
۷۵ ۴-۶-۱- بندهای پرسشی

۷۵ ۱-۱-۴-۶- بندهای پرسشی قطبی
۷۷ ۲-۱-۴-۶- بندهای پرسشی محتوایی
۷۹ ۲-۴-۶- بندهای امری
۸۰ ۳-۴-۶- بندهای تعجبی
۸۲ فصل پنجم: خلاصه و نتیجه گیری
۸۲ ۰-۵- مروری بر فصلهای پیش
۸۴ ۱-۵- نتیجه گیری و برداشت
۸۴ ۱-۱-۵- نتیجه گیری و برداشت نظری
۸۶ ۲-۱-۵- نتیجه گیری و برداشت کاربردی
۸۷ ۲-۵- پیشنهاداتی برای پژوهشهای آتی
۸۹ ضمیمه: داده‌های پژوهش
۹۶ منابع فارسی
۹۷ منابع انگلیسی
 چکیده و عنوان به زبان انگلیسی

فهرست جدولها

صفحه	جدول
۳۵	۳-۱- کنشهای کلامی عمده
۳۷	۳-۲- عواملی فعلی خودایستا
۴۵	۳-۳- وابستگی و همخوانی در انگلیسی
۴۹	۴-۱- کنشهای کلامی عمده
۵۹	۴-۲- شناسه‌های فعلی فارسی گفتاری
۶۸	۴-۳- ادات پیرامونی بند
۷۳	۴-۴- انواع وابستگی
۷۴	۴-۵- درجات مختلف وابستگی و همخوانی

فهرست نمودارها

عنوان	صفحه
۳-۱- فاعل و عنصر خود ایستای فعلی در زبان انگلیسی	۳۸
۳-۲- تجزیه‌ی ساختار بند خبری انگلیسی	۳۹
۳-۳- تجزیه‌ی ساختار بند پرسشی بلی/خیر انگلیسی	۳۹
۳-۴- ساختار باقیمانده	۴۰
۳-۵- بند تعجبی انگلیسی	۴۲
۳-۶- بند امری انگلیسی	۴۳
۴-۱- تجزیه‌ی بند حاوی ادات تفسیر	۶۰
۴-۲- تجزیه‌ی بند حاوی ادات وجهی	۶۱
۴-۳- تجزیه‌ی بند حاوی ادات پیرامونی و ادات موصولی	۶۶
۴-۴- تجزیه‌ی بند حاوی ادات موصولی	۶۷
۴-۵- بیان وابستگی با فعل وجهی	۷۰
۴-۶- بیان وابستگی با ادات وجهی	۷۱
۴-۷- وابستگی با ادات وجهی و فعل وجهی	۷۱
۴-۸- وابستگی در بندهای پرسشی	۷۲
۴-۹- تجزیه‌ی بند پرسشی قطبی	۷۶
۴-۱۰- تجزیه‌ی بند حاوی کلمه‌ی پرسشی در جایگاه فاعل	۷۷
۴-۱۱- تجزیه‌ی بند حاوی کلمه‌ی پرسشی در جایگاه ادات پیرامونی	۷۸
۴-۱۲- تجزیه‌ی بند حاوی کلمه‌ی پرسشی در جایگاه متمم	۷۸
۴-۱۳- تجزیه‌ی بند حاوی کلمه‌ی پرسشی در جایگاه فعل واژه	۷۹
۴-۱۴- تجزیه‌ی بند امری	۸۰
۴-۱۵- تجزیه‌ی بند تعجبی	۸۱

فصل اول

مقدمه

۱-۰- کلیات

بنابه گفته‌ی روبینز (Robins، ۱۹۸۵) تفاوت بارز بین زبان شناسی قرنهای نوزده و بیست میلادی همانا رشد سریع زبان شناسی توصیفی در مقابل زبان شناسی تاریخی بود. شخصیتی که در گذر از نگرش قرن نوزدهمی به نگرش قرن بیستمی نقش اساسی داشت، زبان‌شناس سوئیسی فردینان دو سوسور (Ferdinand de Saussure) بود.

نظرات سوسور (رک، روبینز، ۱۹۸۵) حاوی سه نکته اساسی زیر است:

الف- تمایز بین "بعد همزمانی" و "بعد در زمانی" در مطالعات زبانی

ب- تمایز بین "زبان" و "گفته"

ج- توجه به زبان به مثابه یک نظام

بنابه گفته‌ی مشکوه الدینی (۱۳۷۶)، سوسور در نظام زبان به وجود دو نوع رابطه

میان واحدهای زبانی معتقد است؛ رابطه‌ی همنشینی و رابطه‌ی جانشینی. وی معتقد است

که واحدهای زبانی ارزش زبانی‌شان را در ارتباط با واحدهای دیگر در درون نظام کسب

می‌کنند. به اعتقاد سوسور، رابطه‌ی همنشینی رابطه‌ی موجود بین عناصر زبانی در زنجیره‌ی

گفتار است. این رابطه بر ترتیب و توالی عناصر زبانی در زنجیره‌ی گفتار حاکم است و موجب

پدید آمدن صورتهای معنی‌دار می‌شود. بر پایه رابطه‌ی جانشینی، در جایگاه هر واژه و یا عنصر زبانی در زنجیره‌ی گفتار، هر یک از واژه‌ها و یا عناصر دیگری که با آن ارزش معنائی- نحوی مشترکی را داراست، می‌تواند به کار رود.

اندیشه‌های سوسور بر مکاتب متعدد زبان‌شناسی تأثیرگذار بود. این مکاتب را می‌توان تحت دو عنوان کلی "صورت‌گرائی" (Formalism) و "نقش‌گرائی" (Functionalism) تقسیم بندی کرد.

لاک (Luck، ۱۹۹۶: ۱) می‌گوید: "[مکتب صورت‌گرائی] دستور زبان را به مثابه مجموعه‌ای از قواعد می‌پندارد که مبین تمام ساختهای نحوی زبان است". در این نگرش، بین صورتهای جملات دستوری و جملات غیر دستوری، تمایز آشکاری قائل می‌شوند. صورت‌گرایان عمده‌ی توجهشان به صورت ساختهای نحوی و ارتباط آنها با یکدیگر است و توجه چندانی به "معنا" و یا کار برد این ساختهای نحوی در موقعیتهای مختلف نمی‌کنند. دستور نویسانی که به این نوع توصیف زبانی دست می‌زنند برای تجزیه و تحلیلشان اغلب از جملاتی استفاده می‌کنند که برای نشان دادن قواعد نحوی ساخته شده و از منابع واقعی استخراج نشده‌اند.

در نقطه مقابل، مکتب "نقش‌گرائی" زبان را به عنوان یک نظام ارتباطی می‌بیند و

بدین خاطر زبان را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد که بقول لاک (۱: ۱۹۹۶) دریابد: "زبان چگونه سازماندهی شده است، چگونه که به گویشوران هر زبان اجازه بدهد با یکدیگر مبادله‌ی 'معنی' نمایند." در اینجا، اگر بخواهند، تمایز صریح و آشکاری بین صورتهای دستوری و غیر دستوری قائل شوند، بیشتر بر تناسب یک صورت دستوری برای هدف ارتباطی خاص و در یک بافت ویژه تکیه دارند. در دیدگاه نقش‌گرا، توجه اصلی به نقشهای

ساختهای مختلف و سازه‌های آنها و نیز به معانی آنها در یک بافت ویژه است. به نظر لاک (۱۹۹۶) دستور نویس "نقش گرا" تا حد امکان سعی می‌کند از داده‌هائی استفاده نماید که از متن‌های واقعی انتخاب شده‌اند.

مکتب زبان شناسی پراگ را که در اوایل قرن بیستم شکل گرفت، می‌توان خواستگاه عمده‌ی زبان شناسی نقش‌گرا محسوب داشت (رک، مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۳). در دهه‌ی ۱۹۲۰، گروهی از زبان‌شناسان، عمدتاً روسی و چک و اسلواکیائی، در وین و پراگ گرد هم آمدند و مکتب زبان شناسی پراگ را پایه‌گذاری کردند.

مشکوه‌الدینی (۱۳۷۳) به نقل از لاینز (Lyons) معتقد است که پژوهشگران مکتب پراگ همواره خود را مرهون زبان‌شناسی ساختگرایی سوسور می‌دانستند. هرچند که برخی از نظرات او بویژه تمایز شدید میان زبان‌شناسی همزمانی و در زمانی و همچنین یکپارچگی نظام زبان را انکار می‌کردند.

ویژگی بارز مکتب پراگ، دید آن نسبت به زبان از منظر نقش است. پیروان مکتب پراگ معتقدند که زبان نه تنها به عنوان یک واحد کل دارای نقش ویژه‌ای است، بلکه اجزاء ساختمانی آن نیز دارای نقش خاصی‌اند. اینگونه نگرش نسبت به زبان سبب می‌شود که گستره‌ی نظری این مکتب از توصیف فراتر رفته و به قول سمپسون (۱۰۴: ۱۹۸۵،

(Sampson) "در جواب این پرسش بر آید که چرا زبانها اینگونه‌اند که هستند؟".

آندره مارتینه (به نقل از مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۳) موفق شد با پژوهشهای خود عمق و گسترش بیشتری به نظریات نقش‌گرایانه‌ی زبان‌شناسان مکتب پراگ بدهد. مارتینه تجزیه‌ی دوگانه‌ی زبان، یعنی دو سطح تکواژه‌ها و واجها را به عنوان سازمان درونی همه زبانها به

صراحت بازشناخت و نظام آوایی و نقش عناصر را برپایه‌ی اصول زبان شناسی همزمانی و فراهم آوردن پیکره‌ی زبانی به دقت بررسی کرد.

بنابه گفته بلور (۲۴۷-۲۴۸: ۱۹۹۵، Bloor) شهرت و اعتبار مکتب پراگ بیشتر به خاطر دیدگاهها و نظرات مؤثر این مکتب درباره‌ی واج‌شناسی بود. زبان‌شناسان مکتب پراگ، همانند آمریکائیان [ساخت‌گرا]، خیلی مایل به توصیف ساختهای دستوری نبودند.

در طول بیست سال اخیر، شاخه‌های متعددی از زبان شناسی نقش‌گرا بوجود آمده است. یکی از این شاخه‌ها مربوط است به نظریه‌ی سازواره‌ی-نقشی، و بویژه نظریه‌ی هلیدی (Halliday) که اساس تحقیق حاضر بوده و در طول سالهای اخیر، تأثیر بسزائی هم بر بررسیهای زبانی و هم بر آموزش زبان دوم داشته است. (رک، لاک، ۱۹۹۶).

از میان زبان شناسان مختلف، دو نفر بیش از همه، بر آرا و نظریات هلیدی تأثیرگذار بودند: فرث (Firth) و مالینوفسکی (Malinowski). (رک، مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶). فرث (به نقل از مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۳) در دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ موفق شد نظریه‌ی تازه‌ای ارائه دهد که در آن معنا شناسی و واج شناسی اهمیت زیادی داشت. فرث برای بیان 'معنی' از بینش مالینوفسکی مبنی بر اینکه صورتهای زبانی را باید بر اساس بافت موقعیتی توضیح داد، پیروی کرد. وی معتقد است که موضوع مورد بحث در زبان شناسی، کاربرد و نقش واقعی زبان است. فرث پیشنهاد می‌کند که دانش زبانی باید در جستجوی نظامهای چندگانه‌ای باشد که بر فعالیت گفتار حاکم است.

هلیدی از پژوهشگران مکتب زبان شناسی انگلستان است. وی در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ نظریه‌ی دستوری 'مقوله و میزان' را ارائه کرد (رک، باطنی، ۱۳۶۴). مشکوه‌الدینی

(۱۲۲: ۱۳۷۳) به نقل از واترسون (Waterson) می‌گوید: "برخی نظریه دستوری هلییدی را

نزدیکترین نظریه‌ی نحوی به فرضیه چند نظامی فرث می‌دانند."

هلییدی در بررسیهای بعدی خود زبان را بر پایه‌ی نقشهای اجتماعی آن مورد توجه قرار داد و نظریه‌ی جدیدی ارائه کرد که از آن به عنوان "زبان شناسی ساز واره‌ای" یا "زبان شناسی ساز واره‌ای-نقشی" یاد می‌شود (رک، مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶). وجوه مشخصه‌ی این نظریه‌ی زبان شناسی در دو مفهوم پایه نهفته است که در نام آن نیز نمود یافته‌اند: ساز واره و نقش.

هلییدی (۱۹۸۵) معتقد است که زبان شناسی ساز واره‌ای-نقشی در سه معنای

متمایز و البته مربوط به هم نقش گراست:

۱- این نظریه به این معنی نقش‌گرا است که طوری طرح‌ریزی شده که بتواند چگونگی کاربرد زبان را دریافت تبیین کند.

۲- بخش‌های اساسی معنا در زبان بخش‌های نقشی و کارکردی‌اند، و "کلان نقش" (Meta Functions) خوانده می‌شوند. زبانهای دنیا حول دو محور اساسی معنایی یعنی معنای "اندیشگانی" (Ideational) یا "بازتابی" و معنای "بینا فردی" (Interpersonal) یا "کنشی" شکل گرفته‌اند. بخش بنیادین دیگری نیز این دو بخش را همراهی می‌کند و آن بخش

"متنی" (Textual) است که دو بخش قبلی را با بافت پیوند می‌دهد.

۳- هر عنصر زبانی با ارجاع به نقش آن در کل نظام زبان قابل توضیح است.

مفهوم اساسی دیگر در نظریه‌ی هلییدی مفهوم ساز واره است. هلییدی این مفهوم را

به همراه مفهوم "ساختار" از فرث وام گرفت و از آن برای سازمان‌دادن نظریه‌ی خود بهره برد.

(رک، مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶). در این نگرش، زبان شبکه‌ی درهم تنیده‌ای از ساز واره‌ها است